

# از رنجی که می بریم!

## گفتاری در باب نظام آموزش و ارزشیابی دوره ابتدایی



علیرضا صالحی

آموزگار ابتدایی، شهرستان نوشهر

قصدم دارم توجه شما را به «جسم و روح یا تن و جان» و استعاره‌هایی از آن در نظام آموزش و ارزشیابی دوران ابتدایی جلب کنم.

**از پدر گر قالب تن یافتیم**

**از معلم جان روشن یافتیم**

بعد از گذشت سال‌ها، شاید حالا بتوان راحت‌تر از کپی‌کاری و دست‌زدن به تقلیدها، آن هم از نوعی که فهم و اندیشه‌ای در آن نباشد، در همه‌ی سطوح و حیطه‌ها سخن گفت. موضوعی که البته آموزش‌وپرورش هم به‌هیچ‌وجه از آن بی‌بهره نبوده است. کاری به تاریخ و گذشته‌ی این تقلید ندارم. اما آنچه مشهود است این جریان همراه با دسرهاش همچنان وجود دارد. تقلیدی نه از اساس که از شکل!

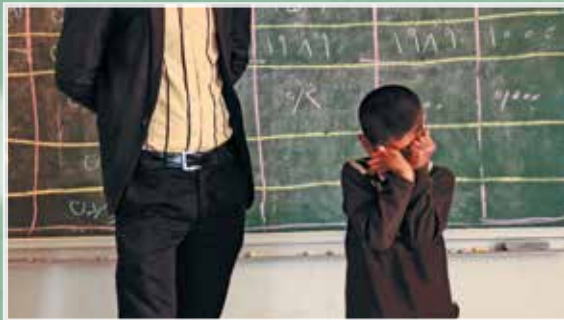
و «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

ارزشیابی کیفی را می‌توان از جمله تحول‌های بجا و درست نظام آموزشی و ارزشیابی ابتدایی دانست؛ اما بنیادین، خیر. موافقم که ارزشیابی کیفی رویکرد درست و مناسبی به فرایند آموزش و ارزشیابی است و هدف آن درنهایت ارتقای ارزیابی دانش‌آموزان از حالت «تعیین سطح» به حالت «یک گام پیش برنده» است و البته می‌دانم به قولی جان معلم جاری و همراه با یادگیری است؛ یعنی جان معلم است که باید آن را در کالبد تدریس، آموزش و یادگیری کودکان بدمد؛ اما مشکل اساسی من در این گفتار همان است که حافظ شیرازی می‌گوید: «عیسی دمی کجاست که احیای ما کند؟»

با کمال تأسف، ما در این مسیر، با ساختار بی‌جان ارزشیابی کیفی و توصیفی در مدرسه‌ها روبه‌رو هستیم. پرداختن به چرایی و لزوم این ارزشیابی برای توجیه امر، ظاهراً بیشتر از چگونگی و نحوه‌ی انجام، وقت و انرژی برده است. در شواهد بسیاری، معلمان از تمام اهداف ارزشیابی توصیفی به داشتن پوشه‌های کار و آذین‌بستن آن پوشه‌ها قبل از بازدید ناظران اکتفا می‌کنند و بر اصل هدف و چگونگی و ابزارهای اجرای آن، شناخت و تسلط و حتی آشنایی مطلوب ندارند.

تعدادی از معلمان هنوز نتوانسته‌اند از نظام نمره‌ای قدیم موجود در ذهن خود فاصله بگیرند. در بعضی صحبت‌ها که کم هم نیست، بحث «لزوم توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان» در تلقی از ارزشیابی توصیفی این‌طور دریافت می‌شود که هر دانش‌آموز با هدایتی کم‌تنش‌تر





و با هر مقدار شایستگی می‌تواند به پایه‌ای بالاتر راه یابد. این در حالی است که منظور از تفاوت‌های فردی، در نظر گرفتن ویژگی‌های دانش‌آموزان برای توافق تدریس با سبک و الگوهای یادگیری و نیز ارزشیابی دانش‌آموزان است و نه بی‌ملاک‌بودن ارتقای پایه‌ی آنان. بخش زیادی از قبولی‌های ابتدایی، به‌خصوص در دوران فراگیری کرونا، با این نگاه بوده است و سال‌های بعد مشخص خواهد شد که بی‌سوادی پنهان چه غوغایی بر پا می‌کند!

برای همین می‌توان گفت به‌نوعی تغییر قالبی نظام ارزشیابی تا به امروز و اینجای کار، در حد نفس مصنوعی و شوک الکتریکی برای زنده نگه‌داشتن باقی مانده است و ما هنوز شاهد جریان زنده‌ی یادگیری در کلاس و نیز نظام آموزش و ارزشیابی در دوره‌ی ابتدایی، موجود نیستیم.

فاصله‌ای که بین چگونگی ارزشیابی دوران ابتدایی (ارزشیابی کیفی) و متوسطه‌ی اول (ارزشیابی کمی) وجود دارد و مواجهه‌ی ناگهانی دانش‌آموزان ابتدایی با شرایط جدید که نشان از ناهماهنگی و بی‌برنامگی دارد، موضوعی است که خود مجالی دیگر می‌طلبد.

در مجموع آنچه مواجهه‌ای واقع‌بینانه از برابند اجرا و مشاهدات به ما می‌گوید این است که لباس دوخته‌شده بر تن ارزشیابی دانش‌آموزان ابتدایی، اگرچه با فاصله زیباست، اما به قول سعدی: «تن آدمی شریف است به جان آدمیت».

